

## کلیسا و بازگشت مسیح

درس ۶: تعمید

دکتر آر. سی. اسپرول

من نمی‌دونم چند نفر از شما در زندگی‌تون یک یا چند بار تعمید گرفتید. می‌دونم جماعت‌های مسیحی زیادی هستند که مردم رو تا زمانی که بالغ بشن و اعتراف ایمان بکنن، تعمید نمیدن، درحالی که خیلی از جماعت‌های مسیحی دیگه، نوزادان رو مدت کوتاهی بعد از تولدشون تعمید میدن. پس تعداد زیادی از افراد در آمریکا و در این دنیا هستند که آیین تعمید رو دریافت نکردند.

شاید من پیام پیشتون و بگم: "آیا تعمید گرفتید؟" و شاید به من بگید: "بله" و بعد به شما بگم: "خب که چی؟ تعمید گرفتن چه اهمیتی داره؟" و به هر حال وقتی به سراغ عهدجدید می‌ریم، می‌بینیم عیسی به کلیساش فرمان میداد که انجیل رو به هر زبان و قبیله و ملت و هر شخص زنده‌ای موعظه کنند، و اون‌ها رو به نام پدر و پسر و روح‌القدس تعمید بدن.

چرا؟ چرا تعمید بخش اساسی مسیحیت سازمان یافته هست؟ مفهومش چیه؟ منشأ اون چیه؟ چه ارزشی داره؟ من اخیراً با یک نفر صحبت می‌کردم و او گفت متوجه شده که تعمید توسط یحیی تعمید دهنده آغاز و برقرار شد.

و من سعی کردم به او توضیح بدم که تعمید یحیی تعمید دهنده، دقیقاً همون آیین عهدجدید نیست که در جماعت مسیحی برگزار می‌کنیم. و او از شنیدن چنین چیزی کاملاً متعجب شد، انگار حرف من غیرعادی بود.

به او توضیح دادم که هیچ محقق عهدجدیدی رو در دنیا نمی‌شناسم که با این فرض اساسی که تعمید یحیی تعمید دهنده با تعمید عهدجدید فرق داره، مخالف باشه. به طور خلاصه، فرقی اینه: تعمیدی که یحیی تعمید دهنده آغاز کرد، به طور خاص برای قوم یهود بود.

و در طول زمانی آغاز شد که دوره‌ی عهدعتیق می‌نامیم. و ارزش اون در عهدجدید در اینه که قرن‌ها، خدا اومدن مسیحا رو در آینده وعده داده بود. و بعد وقتی زمان به کمال رسید تا مسیحا وارد اون جماعت بشه، همون‌طور که عهدعتیق پیشگویی کرده بود، خدا یک نبی از بیابان فرستاد که به قوم اسرائیل گفت، می‌دونید، باید شاهراه را برای خداوند مهیا کنیم و برای اومدن مسح شده‌ی خداوند آماده بشیم.

و این پیغام یحیی بود. یحیی از بیابان به عنوان قاصد اومد تا نزدیکی اومدن مسیحا رو اعلام کنه. تبر بر ریشه درخت زده شده، او غربالش رو در دست گرفته، یعنی این خیلی نزدیکه. و نکته اینه که او به اسرائیل می‌گفت: "و شما آماده نیستید!"

حالا، مابین پایان عهدعتیق و آغاز عهدجدید، احتمالاً عملی بین یهودیان ظاهر شد که تعمید نوایمانان نامیده شد. و این تعمید، آیین پاک شدن و شستشو بود که نمادی از پاک شدن کسانی بود که ناپاک محسوب می شدند. و مخصوص غیریهودیان بود.

در طول این دوران، اگر کسی یهودی نبود، کسی که از امتها بود، و می خواست یهودی بشه، باید سه کار رو انجام می داد. باید اعتراف ایمان رو در یهودیت انجام می داد. اگر مرد بود، باید ختنه می شد. اما علاوه بر اینها، باید آیین تعمید یا پاک شدن نوایمانان رو انجام می داد، چون از لحاظ آیینی، ناپاک در نظر گرفته می شد. و حالا چیزی که درباره ی یحیی تعمید دهنده، جنجال برانگیز بود، این بود که او به سراغ یهودیان میره و بهشون میگه: "شما باید شسته بشید. باید از گناهانتون توبه کنید و برای اومدن مسیحا آماده بشید. توبه کنید و تعمید بگیرید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است."

و این فریسیان رو خیلی خشمگین کرد. اونها گفتند: "منظورت چیه؟ ما فرزندان ابراهیم هستیم، ما نیازی به پاک شدن نداریم." اما یحیی تعمید دهنده گفت: "اکنون خدا این آیین جدید آماده سازی رو برای قوم یهود گذاشته." و بعد مسیحا اومد.

و وقتی مسیحا اومد، همون طور که قبلاً در درسمون در شام خداوند دیدیم، عیسی عهد جدیدی رو آغاز کرد. و با آغاز این عهد جدید که متفاوت از عهد قدیم بود، نشانه ی جدیدی از عهد رو آغاز کرد. نشانه ی عهدی رو که خدا با نوح بست، به یاد دارید؟ هر وقت خدا عهد می بست، به مردم یک نشانه می داد که وعده ی عهد رو تأیید یا تصویب کنه.

و وقتی خدا با نوح عهد بست که دوباره دنیا رو با آب نابود نکنه، یک نشانه به نوح داد و اون نشانه چی بود؟ رنگین کمان در آسمان. پس خدا می گفت: "هر وقت این رنگین کمان رو دیدی، این یادآور وعده ی من به نوحه." من هر بار که رنگین کمان می بینم، به اون فکر می کنم. "این نشانه ی خدا در آسمانه."

خُب، بعد او ملت اسرائیل رو یک پارچه کرد و یک خانواده از انسانها رو نزد خودش آورد، ملتی که از طریق اونها می خواست کل دنیا رو برکت بده و با این افراد وارد عهد شد، با ابراهیم و ذریت او، نشانه و نمادی در این عهد برقرار کرد که به شکل بیرونی، قابل رؤیت بود. و نشانه ی عهد قدیم چی بود؟ ختنه. ختنه، نشانه ی وعده ی خدا شد.

حالا، آیا ختنه کسی رو نجات می داد؟ حالا، خیلی از انسانها به اون عمل فکر می کردند. خیلی از انسانها، مثل فریسیان، فکر کردند اگر ختنه بشید، این تضمین می کنه که نجات یافتید. و پولس در اولین بابهای رومیان سعی می کرد این رو توضیح بده، وقتی گفت این طور نیست. یهودی واقعی، کسی نیست که فقط از لحاظ بیرونی یهودی باشه، چون در بدنش نشانه ی ختنه رو داره، بلکه کسی هست که در درون، در دل ختنه شده. او کسیه که نجات

یافته. و بعد در این مباحثه، بعضی از سؤالاتی رو که مردم می پرسیدند، پیش بینی کرد. اون‌ها می گفتند: "خُب! اگه نشانه‌ی عهد کسی رو نجات نده، چه فایده‌ای داره؟ چرا نگرانش باشیم؟ چرا خدا می‌خواد موسی رو بکُشه، وقتی نتونست این نشانه رو به پسرش بده؟"

این چه اهمیتی داره. "پولس این طوری این سؤال رو می پرسه: "پس برتری یهود چیست؟" که با این نشانه مشخص شده و کنار گذاشته بشیم. و او چی میگه؟ خیلی چیزها، از هر لحاظ، چون اون‌ها الهام الهی را داشتند. حالا این رسول می‌خواد چی بگه؟ او گفت اگرچه این نشانه، نجات نمیده، به این معنا نیست که این نشانه بی اهمیته یا بی مفهومه.

مثل اینه که به من بگید نشانه‌ی دیدنی وعده‌ی خدا، بی مفهومه. این چه احساس کفرآمیز و خشونت آمیزی هست. و ارزش ختنه در این بود که خدا گفت: "این وعده‌ی منه. و وعده‌ی من اینه که با شما وارد یک عهد میشم که همه‌ی کسانی که به من ایمان داشته باشند، نجات خواهند یافت.

و برای نشون دادن این، می‌خوام این رو تا ابد در بدنتون از طریق نشانه‌ی ختنه مشخص کنم، که اعتبار وعده‌ی خدا رو تأیید می‌کرد. حالا دوباره، وعده‌ی خدا قرار نبود از طریقی غیر از ایمان به انجام برسه. بلکه همه‌ی کسانی که ایمان داشتند، پُری این وعده رو دریافت کردند. و وعده بوسیله‌ی نشانه‌ی بیرونی تأکید و به نمایش گذاشته می‌شد.

حالا، نکته اینه که در عهدجدید، نشانه‌ی عهد، نشانه‌ی عهدجدید، دیگه ختنه نیست، این طور نیست؟ مباحثه بزرگ پولس رو با یهودی گرایان زمانش به یاد دارید، کسانی که اصرار داشتند همه‌ی کسانی که به مسیحیت ایمان میارن، باید ختنه بشن. و پولس گفت: "ای کاش کسانی که این تعلیم رو می دادند، ختنه می‌شدند."

واقعاً ختنه می‌شدند، به خاطر چیزی که درک نمی‌کنند. آیا نمی‌فهمید ختنه، نه تنها نشانه‌ی وعده‌ی عهد، بلکه لعنت عهد هم بود که شخص می‌گفت: "اگه من مناسبات عهد قدیم و شریعت خدا رو انجام ندَم، باشد که از حضور او منقطع بشم." و آیا نمی‌فهمید که روی صلیب، مسیح، لعنت شد؟ و روی صلیب، مسیح همه‌ی تحریم‌های منفی رو که توسط ختنه نشون داده می‌شد، به تحقق رسوند. و شما می‌خواید دوباره ختنه بشید؟ اگه می‌خواید دوباره به عنوان نماد مذهبی ختنه بشید، حرفتون اینه که: "من ایمان ندارم که مسیح عهد قدیم رو به تحقق رسوند و می‌خوام به مناسبات عهد قدیم برگردم.

پس پولس شدیداً با یهودی گرایانی که می‌خواستند ارزش تحقق این اصول عهدعتیق رو انکار کنند، مخالفت کرد. حالا، آیا به این معناست که هیچ پیوستگی بین عهدعتیق و عهدجدید نیست؟ ابداً! ما هنوز فرزندان ابراهیم هستیم.

ما غیریهودیانی هستیم که مثل درخت زیتون وحشی به شاخه‌ی اصلی پیوند خوردیم، درسته؟ به ریشه‌ی اصلی. پس یک پیوستگی بین عهدعتیق و عهدجدید هست، اما مانند هم نیستند. حالا، در عهدعتیق، نشانه‌ی عهد، ختنه

بود. در عهدجدید، نشانه‌ی عهد، تعمیمد یحیی نیست، بلکه تعمیمد عیساست، وقتی عیسی این آیین پاک شدن رو گرفت که مشخصه‌ی عهد جدید در او بود نه در اسرائیل پس تعمیمد، به عنوان نشانه‌ی بیرونی عضویت یا ورود به جماعت عهد جدید، با ختنه جایگزین شد. حالا دوباره، فقط به خاطر این که یک نفر تعمیمد گرفته، به این معنا نیست که اون‌ها نجات دارند. به این معناست که وعده‌ی خدا رو برای همه‌ی مزایای مسیح دارند، اگر و هر زمان که ایمان داشته باشند.

مثلاً لوتر، وقتی از اون دوران سخت و دشوار عبور می‌کرد که توسط شیطان مورد حمله قرار می‌گرفت، وقتی تقریباً می‌تونست شیطان رو ببینه و گفت حضورش تقریباً ملموس بود و جوهردان رو به طرفش پرتاب می‌کرد و الی آخر، و همه‌ی این دوران‌های دشوار رو داشت که گفت چیزی رو تجربه کرد که "آنفکتانگ" شیطان نامید، یعنی توهین شدید و لجام گسیخته‌ی شیطانی علیه جاننش. و لوتر گفت وقتی مورد محاصره‌ی این اتهام شیطان و این چیزها قرار می‌گرفت، با صدای بلند به شیطان می‌گفت: "از من دور شو! من تعمیمد گرفتم!" حالا، چرا این رو می‌گفت؟ او چنین چیزی می‌گفت: "من با ایمان به وعده‌های خدا چسبیدم که با این نشانه‌ی عهد به قومش داده شده.

و خدا دروغ نمی‌گه. شیطان، تو دروغ‌گویی! من به این اعتماد دارم. سعی نکن توجهم رو از کلام خدا پرت کنی." این اهمیت تعمیمده. این کلامی هست که به نمایش درآمده. این کلام وعده‌ی خدا به همه‌ی ایماندارانه. اجازه بدید توجهتون رو به طور خلاصه به نامه‌ی پولس به کولسیان جلب کنم.

در باب ۲ از کولسیان، از آیه‌ی ۸، پولس این سخنان رو می‌نویسه: "باخبر باشید که کسی شما را نرباید به فلسفه و مکر باطل، برحسب تقلید مردم و برحسب اصول دنیوی نه برحسب مسیح، که در وی [یعنی مسیح] از جهت جسم، تمامی پری الوهیت ساکن است. و شما در وی تکمیل شده‌اید که سر تمامی ریاست و قدرت است.

و در وی مختون شده‌اید، به ختنه ناساخته به دست یعنی بیرون کردن بدن جسمانی، بوسیله‌ی اختتان مسیح. و با وی در تعمیمد مدفون گشتید که در آن هم برخیزانیده شدید به ایمان بر عمل خدا که او را از مردگان برخیزانید."

می‌بینید این جا پولس چی میگه. درباره‌ی ختنه صحبت می‌کنه که با دست انجام نشده و این جا این ارتباط مستقیم بین ختنه‌ی عهدعتیق و ختنه‌ی عهدجدید رو می‌بینه.

خُب، تعمیمد، نشانه‌ی عهدجدیده. این یعنی چی؟ ظاهراً بخشی از ارزش اون یا چیزی که نشون میده، پاک شدن ما از گناه. در دستان یحیی، آیین پاک شدن بود، اما دلیل این که تعمیمد یحیی نباید دقیقاً با تعمیمد عهدجدید، همانند یا برابر باشه، به خاطر اینه که تعمیمد عهدجدید، چیزی بیش از تعمیمد یحیی رو نشون میده، کل کاری که تعمیمد یحیی انجام داد، این بود که مردم رو از طریق پاک شدن اون‌ها از گناه، آماده کرد.

و ما باید از گناه پاک بشیم و نشانه‌ی پاک شدن ما از گناه، نشانه‌ی تعمیمده. برای همین حوض تعمیمد یا آیین استفاده از آب رو دارید. این نماد شستشوست. اما چه چیز دیگه‌ای رو نشون میده؟ با او در تعمیمد دفن می‌شیم.

این جا خوندم که یکی از ارزش‌های مهم تعمید، کاری که تعمید می‌کنه اینه که نشانه است؛ از این جهت که نشون دهنده‌ی همه‌ی مزایاییه که از مسیح دریافت می‌کنیم.

این نشانه‌ی تولد تازه‌ی ماست. نشانه‌ی این که روح‌القدس، ما رو از مردگان زنده می‌کنه، از مرگ روحانی، و ما رو خلقت تازه می‌سازه. نه این که این نشانه این رو انجام میده، بلکه این نشانه، نشانه‌ی کار روحه که تولد تازه رو انجام میده. نشانه‌ی اینه که در روح‌القدس تعمید می‌گیریم. تعمید آب، تعمید روح‌القدس نیست، بلکه نشانه‌ی تعمید روح‌القدسه.

همون طور که با آب تعمید می‌گیریم، خدا وعده میده همه‌ی کسانی رو که در مسیح هستند، با روح‌القدسش تعمید بده. هم‌چنین، تعمید نشان دهنده‌ی مشارکت در مرگ مسیح و رستاخیز مسیح. دوباره، نماد دفن شدن و برخاستن از مردگانه. این وعده هست. مسیح میگه: "هر که ایمان داره، در مرگ مسیح مشارکت می‌کنه."

چطور؟ خُب، به بیش از یک طریق. یک طریق که من در مرگ مسیح مشارکت می‌کنم، اینه که او مجبور نبود بمیره. اگه من تنها کسی بودم که در دنیا گناه کردم و خدا می‌خواست من رو نجات بده، مسیح باید می‌مُرد، چون گناهان من روی صلیب به مسیح نسبت داده شد. پس از جهتی واقعی، من با او روی صلیب مُردم، چون گناهان من روی صلیب، بر روی او و در او مجازات شد.

اما نه فقط این، بلکه چیزهای بیشتری در این هست، که پولس بارها میگه ما فراخوانده شدیم که در رنج عیسی مسیح شرکت کنیم، نه با ارائه‌ی جسممون به عنوان کفاره برای گناهان خودمون. ارزش زیادی در بدن جسمانی من یا زندگی انسانی من نیست که گناهان رو جبران کنم.

ما در مفهوم کفاره به اون پرداختیم. که این نیازمند یک شخص بیگناه که خواسته‌ی خدا رو تحصیل کنه. من بی‌گناه نیستم، پس نمی‌تونستم برای گناهانم کفاره کنم، این طور نیست؟ به هر حال، من هنوز فراخوانده شدم که در مصائب و رنج‌های مسیح مشارکت کنم.

نه با شایستگی، بلکه از جنبه یکی شدن با خداوند مصلوب شده‌مون و وارد شدن رنج‌های او با او و مشتاق بودن برای مشارکت در تحقیر و رنج او. و این بخشی از ارزش تعمیده. چند بار پولس رسول این رو میگه که اگه نخواید در مصائب مسیح، در رنج‌های مسیح، در تحقیر عیسی مشارکت کنید، در جلال او هم مشارکت نخواهید کرد؟ ولی وعده‌ی مسیح اینه: همه‌ی کسانی که به او ایمان دارند، کسانی که از او پیروی می‌کنند، شاگردان وفادار او هستند، مورد تنفر قرار خواهند گرفت، در این دنیا، جفا خواهند دید.

اون‌ها فراخوانده میشن که رنج بکشن و وارد مصائب بشن. و این مصائب شایسته این نیستند که حتی یک لحظه هم با جلالی که خدا برای قومش در آسمان نگه داشته، مقایسه بشن. پس پولس میگه: "یادتون باشه که شما در رستاخیز مسیح شراکت دارید. شما در جلال مسیح شراکت دارید."

شما در تمامی مزایایی که او دریافت می‌کنه، شراکت دارید. و نشانه‌ی وعده‌ی مشارکت شما در مزایای مسیح، تعمیده. تعمید، مشارکت شما در مرگ و رستاخیز او رو نشون میده، در رنج، تحقیر و جلال او. دوباره، این آیین، این مزایا رو منتقل نمی‌کنه. اما آیین، قطعیت وعده‌ی خدا رو به همه‌ی کسانی که به عیسی ایمان میارن، منتقل می‌کنه.

حالا، البته که شدیدترین مباحثه‌ی تعمید اینه که کی برای اون واجد شرایطه؟ و کلیساهایی هستند که استدلال می‌کنند، فقط کسانی که بالغ هستند و آگاهانه اعتراف ایمان رو انجام دادن، می‌تونن تعمید بگیرن. این به لحاظ گزارش تاریخی، نظر اقلیت هست.

اکثر گزارشات دنیای مسیحیت، این بوده که همون طور که وعده‌ی عهدعتیق به ابراهیم و ذریت او داده شد، وعده‌ی عهد جدید به ایمانداران و ذریت اون‌ها داده شده، و همون طور که عهدعتیق، نشانه‌ی عهدی بود که به ایمانداران و فرزندان‌شون داده شد، در عهدجدید، این نشانه به ایمانداران و فرزندان‌شون داده شده.

چون عمدتاً، این در جایی از عهدجدید، باطل یا رد نشده. و همون طور که تعمید، در میان چیزهای دیگه، نشانه‌ی ایمانه، ختنه هم نشانه‌ی ایمان بود و ما نمی‌تونیم عمدتاً استدلال کنیم که چون چیزی نشانه‌ی ایمانه، نمی‌تونید اون رو به فرزندان بدید.

دوباره، نکته اینه که ختنه یا تعمید، ایمان رو اعطا نمی‌کنند. بلکه وعده‌ی خدا رو به همه‌ی کسانی اعطا می‌کنند که ایمان دارند. پس ما موافقیم، به نظرم، همه‌ی ما موافقیم که شما تا زمانی که ایمان ندارید، از مزایا برخوردار نیستید.

اما می‌تونید وعده‌ی خدا رو برای این مزایا داشته باشید. کلون استدلال می‌کنه که ثمربخشی این آیین، هرگز به زمان انجامش، وابسته نیست. شاید ثمربخشی قبل، در جریان یا بعد از اجرای نشانه بیاد، حتی در رابطه با ختنه هم این‌طور بود. اما این موضوع برای تاملات بعدی شماسه. این مورد ساده‌ای برای رسیدگی نیست.

اما مورد اصلی که سعی می‌کنیم امروز بهش پردازیم، ارزش تعمید به عنوان وعده‌ی پرمعنای خداست. و اعتبارش به خاطر شخصی نیست که اونو دریافت یا اجرا می‌کنه یا والدین یا هر کس دیگه، بلکه اعتبارش به خاطر شخصیت کسی هست که وعده داده، یعنی خدا.